

بررسی نقش تعهد و التزام در تکوین و توسعه ادبیات پایداری ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی

عباس فتاحی‌زاده^۱، حسین اسماعیلی^۲

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: esmailihosien7@gmail.com

چکیده

ادبیات پایداری به عنوان یک ابزار تأثیرگذار در تاریخ ادبیات ایران، نقش مهمی در بازتاب و ترویج مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی ایفا کرده است. این نوع ادبیات با تمرکز بر مقاومت در برابر ظلم، فساد و بی‌عدالتی، همواره به عنوان ابزاری برای مبارزه اجتماعی و آگاهی‌بخشی به کار رفته است. هدف این پژوهش بررسی تأثیر تعهد و التزام نویسندگان ایرانی در شکل‌گیری و توسعه ادبیات پایداری از آغاز تا انقلاب اسلامی و تحلیل چگونگی استفاده از این تعهدات برای نقد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. این تحقیق از رویکرد قیاسی-استدلالی برای تجزیه و تحلیل آثار مختلف استفاده کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ادبیات پایداری ایران در دوران‌های حساس مانند مشروطه و انقلاب اسلامی نقش مهمی در ترویج عدالت، آزادی و مقاومت داشته است. نویسندگان با تعهد به آرمان‌های انسانی و اجتماعی، آثار خود را در جهت مبارزه با ظلم و فساد خلق کرده‌اند. این آثار نه تنها جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را منعکس کرده بلکه در گسترش فرهنگ مقاومت و آگاهی اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. پژوهش تأکید می‌کند که تعهد و التزام در این ادبیات نقش محوری در شکل‌گیری آن داشته است.

کلیدواژگان: ادبیات پایداری، تعهد و التزام، انقلاب اسلامی، تاریخ ادبیات ایران.



شیوه استناددهی: فتاحی، عباس، اسماعیلی، حسین. (۱۴۰۴). بررسی نقش تعهد و التزام در تکوین و توسعه ادبیات پایداری ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳(۲)، ۱-۱۸.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۳ تیر ۱۴۰۴

The Treasury of Persian Language and Literature

Investigating the Role of Commitment and Obligation in the Formation and Development of Iranian Resistance Literature from Its Inception to the Islamic Revolution

Abbas Fatahizadeh¹, Hossein Esmaili^{1*}

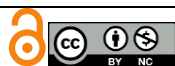
1. Department of Persian Language and Literature, Gac.C., Islamic Azad University, Gachsaran, Iran

*Corresponding Author's Email: esmailihosien7@gmail.com

Abstract

Resistance literature, as an influential tool in the history of Iranian literature, has played a significant role in reflecting and promoting social, political, and human issues. This genre of literature, with a focus on resistance against oppression, corruption, and injustice, has consistently served as an instrument for social struggle and raising public awareness. The aim of this study is to examine the impact of Iranian authors' commitment and obligation in shaping and developing resistance literature from its inception up to the Islamic Revolution, and to analyze how these commitments were utilized for social, political, and cultural critique. This research has been conducted using a descriptive-analytical method and is based on library and documentary sources. A comparative-logical approach was employed to analyze various works. The findings indicate that Iranian resistance literature has played a significant role in promoting justice, freedom, and resistance during critical periods such as the Constitutional Revolution and the Islamic Revolution. Writers, through their commitment to humanistic and social ideals, created works aimed at combating oppression and corruption. These works not only reflected social and cultural aspects but also contributed to the expansion of a culture of resistance and social awareness. The study emphasizes that commitment and obligation have served as central elements in the formation of this body of literature.

Keywords: *Resistance literature, commitment and obligation, Islamic Revolution, history of Iranian literature.*



How to cite: Fatahizadeh, A., & Esmaili, H. (2025). Investigating the Role of Commitment and Obligation in the Formation and Development of Iranian Resistance Literature from Its Inception to the Islamic Revolution. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 3(2), 1-18.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 20 February 2025

Revise Date: 28 April 2025

Accept Date: 9 May 2025

Publish Date: 14 July 2025

مقدمه

ادبیات پایداری به عنوان یکی از شاخه‌های مهم ادبیات، نقش کلیدی در بازتاب مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی ایفا می‌کند. این نوع ادبیات، ابزار قدرتمندی برای بیان مقاومت در برابر ظلم، بی‌عدالتی و نابرابری‌های اجتماعی است (1). نویسندگان و شاعران این حوزه با استفاده از قدرت زبان و تخیل، تلاش می‌کنند تا آگاهی عمومی را نسبت به مسائل گوناگون افزایش داده و افراد جامعه را به تفکر و تأمل وادارند. از این منظر، ادبیات پایداری صرفاً ابزاری برای روایت وقایع نیست، بلکه بستری برای ایجاد تغییرات بنیادین در نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود (2). در جوامعی که تحت سیطره استبداد، سانسور و سرکوب قرار دارند، ادبیات پایداری به مثابه ابزاری برای اعتراض و مقاومت به کار گرفته می‌شود. در طول تاریخ، بسیاری از نویسندگان و شاعران با خلق آثاری تأثیرگذار، به مبارزه علیه بی‌عدالتی پرداخته‌اند. ادبیات پایداری، تعهد عمیقی به حقیقت و عدالت دارد و با نمایش درد و رنج ستمدیدگان، به صدای بی‌صدایان تبدیل می‌شود (3). اهمیت این نوع ادبیات تنها در بازتاب وضعیت جوامع نیست، بلکه در ایجاد انگیزه برای تغییرات اجتماعی و تقویت روحیه مقاومت نیز نهفته است. در ایران، ادبیات پایداری ریشه‌ای دیرینه دارد. شاعران و نویسندگان ایرانی از دیرباز با استفاده از زبان شعر و نثر، به نقد ظلم و بی‌عدالتی پرداخته و آرمان‌های انسانی همچون آزادی و عدالت را مطرح کرده‌اند (4). در دوران معاصر، با گسترش جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، ادبیات پایداری نیز تحولات قابل توجهی را تجربه کرده است. شاعران و نویسندگان این عرصه با بهره‌گیری از فرم‌ها و ساختارهای مختلف ادبی، آثار خود را در خدمت مبارزه با نابرابری، فساد و تبعیض قرار داده‌اند. ادبیات پایداری در ایران امروز نیز همچنان جایگاه مهمی در میان آثار ادبی دارد و به عنوان بازتابی از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه، مورد توجه قرار گرفته است. تعهد و التزام شاعران و نویسندگان

به آرمان‌های انسانی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های کلیدی در ادبیات پایداری محسوب می‌شود. این تعهد و التزام، انگیزه‌ای برای خلق آثاری است که در برابر ظلم و نابرابری‌ها موضع‌گیری کرده و بازتابی از مقاومت مردم در برابر استبداد و ستم باشند (5). به عبارتی، نویسندگان ادبیات پایداری با قرار دادن اصول انسانی در کانون توجه خود، آثاری را خلق می‌کنند که نه تنها ارزش‌های ادبی دارند، بلکه به عنوان اسنادی اجتماعی و تاریخی نیز حائز اهمیت‌اند. ادبیات پایداری به دلیل ماهیت انتقادی خود، همواره با چالش‌هایی نظیر سانسور، تهدید و محدودیت‌های سیاسی روبه‌رو بوده است. نویسندگان این حوزه ممکن است از سوی حکومت‌ها یا گروه‌های قدرتمند تحت فشار قرار گیرند و آثارشان مشمول ممیزی و سانسور شود (6). این شرایط، مانعی بر سر راه انتشار و توزیع آزادانه آثار ادبیات پایداری ایجاد کرده و گاه نویسندگان را به خودسانسوری واداشته است. از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی نیز از جمله چالش‌هایی است که نویسندگان ادبیات پایداری با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. نبود حمایت‌های مالی مناسب و محدودیت‌های نشر، باعث می‌شود که بسیاری از آثار ارزشمند این حوزه به درستی دیده نشوند (3). با وجود این چالش‌ها، ادبیات پایداری همچنان به عنوان نیرویی پویا و تأثیرگذار در جامعه مطرح است. این نوع ادبیات نه تنها تجربه‌ها و دیدگاه‌های گروه‌های حاشیه‌نشین را به تصویر می‌کشد، بلکه با دعوت به آگاهی و مبارزه، به ایجاد تغییرات اجتماعی نیز کمک می‌کند. از این منظر، بررسی نقش تعهد و التزام در نگارش قطعات ادبیات پایداری، امری ضروری و حائز اهمیت است که می‌تواند به شناخت دقیق‌تر این ژانر و تحلیل آثار آن کمک کند. ادبیات پایداری، ابزاری برای حفظ و انتقال ارزش‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی است. تعهد و التزام در این حوزه، نقشی اساسی در تولید آثاری ایفا می‌کند که می‌توانند بازتاب‌دهنده واقعیت‌های تلخ و شیرین جوامع باشند (7). از این منظر، مطالعه و تحلیل عناصر ادبیات پایداری، گامی

مهم در راستای شناخت بهتر این نوع ادبیات و تأثیر آن بر جوامع مختلف محسوب می‌شود. ادبیات پایداری از گذشته تا به امروز، یکی از ارکان مهم در حفظ و ترویج هویت ملی و فرهنگی ملت‌ها بوده است. در جوامعی که با چالش‌هایی نظیر بی‌عدالتی، استبداد و استعمار مواجه هستند، این نوع ادبیات می‌تواند به عنوان پلی میان نسل‌ها عمل کرده و تجربیات مبارزاتی را به آیندگان منتقل کند. از سوی دیگر، بررسی این ادبیات از منظر نظری و انتقادی، می‌تواند به تقویت جایگاه آن در مطالعات ادبی و اجتماعی منجر شود. علاوه بر این، با توجه به توسعه رسانه‌ها و تغییر شیوه‌های ارتباطی، ادبیات پایداری نیازمند بازتعریف و تحلیل مجدد است. بررسی تأثیر رسانه‌های جدید بر ادبیات پایداری، مطالعه شیوه‌های بیانی مختلف و تحلیل تطبیقی آثار برجسته این حوزه، می‌تواند به درک عمیق‌تر این ژانر کمک کند. همچنین، این پژوهش می‌تواند به عنوان مرجعی برای پژوهشگران و دانشجویان علاقه‌مند به ادبیات پایداری مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین در این پژوهش به دنبال آن هستیم که به موضوع "بررسی نقش تعهد و التزام در تکوین و توسعه ادبیات پایداری ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی" بپردازیم. هدف اصلی این پژوهش، تجزیه و تحلیل مفهوم نگارش ادبیات پایداری از ابتدا تا انقلاب اسلامی است. و همکاران در سال ۱۴۰۱ در پژوهشی تحت عنوان "ادبیات پایداری از آغاز تا بعد از انقلاب" بیان کردند که ادبیات پایداری شامل شاخه‌هایی مانند ادبیات بیداری، مشروطه، انقلاب، دفاع مقدس و عاشورایی است که همگی بر پایه رهبری آگاه و فداکاری افراد برای آزادی شکل گرفته‌اند. این مقاله با روش کتابخانه‌ای به بررسی دوره‌های مختلف این ادبیات و نمونه‌هایی از اشعار مرتبط با شهید و شهادت می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شاعران هر دوره، با مضامین و قالب‌های نو، دردهای جامعه را بیان کرده و راه نجات را در مبارزه و شهادت با رهبری آگاه جستجو کرده‌اند. عزیزاده و همکاران در سال ۱۴۰۳ در پژوهشی تحت عنوان "ادبیات پایداری در دوران

انقلاب اسلامی" بیان کردند که این مطالعه مروری-کتابخانه‌ای با استفاده از منابع معتبر، به بررسی ادبیات پایداری در دوران انقلاب اسلامی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این ادبیات در انتقال ارزش‌های انقلاب، تقویت روحیه مقاومت و فداکاری مردم نقش مهمی داشته است. با روایت داستان‌ها و اشعار حماسی، مبارزات مردم را بازتاب داده و امید و وحدت را زنده نگه داشته است. نویسندگانی مانند سیدحسن حسینی و علی اشرف درویشیان با آثار خود، تاریخ و فرهنگ ملت را ثبت کرده و اهمیت فداکاری برای آزادی را به نسل‌های آینده یادآور شده‌اند.

مبانی نظری

ادبیات پایداری

ادبیات مقاومت، شاخه‌ای از ادبیات متعهد و التزام است که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و... شکل می‌گیرد. ادبیات پایداری، که به آن ادبیات متعهد یا ادبیات مقاومت می‌گویند، گونه‌ای از ادبیات است که به بیان مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی می‌پردازد و خواهان تغییر و تحولات مثبت در جامعه است. پایداری نقشی حیاتی در ترویج عدالت اجتماعی، حفظ حقوق بشر و ایجاد دنیایی صلح‌آمیزتر و عادلانه‌تر ایفا می‌کند. در جهان امروز، نویسندگان و شاعران در سراسر جهان با خلق آثار خود به نقد مسائل مانند جنگ، فقر، نابرابری، نژادپرستی و تبعیض می‌پردازند. ادبیات پایداری صدای کسانی است که در حاشیه قرار گرفته‌اند و خواهان جهانی عادلانه‌تر و انسانی‌تر برای همه انسان‌ها هستند. ادبیات پایداری، نغمه‌ای رسا در برابر ظلم و ستم و انعکاسی از درد و رنج انسان‌هایی است که در جستجوی جهانی عادلانه‌تر و انسان‌تر هستند. در این عرصه، نویسندگان و شاعران متعهد، قلم خود را به شمشیر عدالت تبدیل می‌کنند و با خلق آثاری پرفراز و نشیب، به نقد بی‌عدالتی‌ها، ترویج ارزش‌های انسانی و بیداری وجدان بشریت می‌پردازند. ادبیات پایداری، آینه‌های گویا از واقعیت‌های

تلخ جوامع مختلف است و به ما نشان می‌دهد که چگونه انسان‌ها در برابر ظلم و ایستادگی می‌کنند و برای احقاق حقوق خود مبارزه می‌کنند. این نوع ادبیات، با برانگیختن احساسات و عواطف انسانی، مخاطبان را به تفکر و تأمل وادار می‌کند و آن‌ها را به چالش می‌کشد تا در برابر ظلم سکوت نکنند و برای ایجاد دنیایی بهتر تلاش کنند (8).

روش پژوهش

این پژوهش، یک تحقیق بنیادی، نظری و اسنادی است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های ادبیات پایداری در ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی می‌پردازد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل روش کتابخانه‌ای، توصیفی و مطالعه موردی است. بخشی از محتوای پژوهش نیز مبتنی بر تأملات شخصی نویسنده و استفاده از روش قیاسی-استدلالی بود. داده‌ها پس از گردآوری به شیوه‌ای استقرایی تجزیه و تحلیل شد. این پژوهش تلاش دارد تا با نگاهی جامع و چندجانبه، ابعاد گوناگون ادبیات پایداری را مورد بررسی قرار دهد.

بررسی تاریخ ادبیات پایداری

کسای (سده چهارم)

در سده چهارم هجری، شعر فارسی شاهد شکوفایی بزرگی بود و شاعران برجسته‌ای مانند رودکی، ابوشکور بلخی و کسای مروزی به‌ویژه در این دوران حضور داشتند. کسای مروزی، که در مرو، خراسان بزرگ به دنیا آمد، به دلیل تفکر دینی و حکمت‌آموزی‌اش جایگاه ویژه‌ای در ادبیات پایداری به دست آورد. او در زمینه‌های مختلفی چون طبیعت، تغزل، مدح، حکمت و طنز شعر سرود و به بیان مسائل فلسفی و اخلاقی پرداخته است. ویژگی‌های شعر کسای شامل زبان ساده و روان، حکمت‌آموزی و توجه به طبیعت می‌شود. در اشعارش، بی‌ارزشی دنیا در برابر ارزش‌های معنوی و گذرا بودن زندگی از مضامین اصلی به شمار می‌روند. به عنوان مثال، در یکی از اشعارش می‌گوید که آمدن او به جهان برای

سرودگویی و شادی در نعمت‌ها بوده، اما در نهایت، دنیا به سان یک بار سنگین و مملو از سختی‌ها است. با تمرکز بر اشعار کسای، می‌توان به تحلیل مضامین غالب پرداخت که بیشتر حول محور بی‌ثباتی زمان، حسرت بر فرصت‌های از دست رفته و شکوفایی ادبی و نوآوری می‌چرخند. اشعار او بیشتر جنبه شخصی دارند و کمتر به مسائل اجتماعی و نقش مردم در جامعه پرداخته‌اند. کسای در این دوران، از جمله شاعران برجسته‌ای بود که توانست در بیان معانی پیچیده و مضامین بدیع نقش مهمی ایفا کند و به‌ویژه در بیان زیبایی‌ها و توصیف‌های نوآورانه مهارت داشت. در شعر کسای ترکیبی از سه گونه ادبی غنایی، حماسی و تعلیمی است، اما وجه تعلیمی آن در آثارش برجسته‌تر می‌شود، که نشان‌دهنده تأثیر حکمت‌آموزی و آموزش‌های اخلاقی در شعر اوست (9).

فردوسی (اواخر سده چهار و اوایل سده پنج)

ابوالقاسم فردوسی توسی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران تاریخ ایران و حماسه‌سرا، با اثر جاودانه خود، شاهنامه، خدمت بزرگی به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی کرد. او در اواخر قرن چهارم هجری در توس به دنیا آمد و شاهنامه را با هدف حفظ تاریخ و فرهنگ ایران نوشت. این اثر، حماسه ملی ایران، تاریخ اسطوره‌ای و تاریخی کشور را از آغاز تا پایان سلسله ساسانیان روایت می‌کند و شامل ارزش‌های انسانی و ملی بسیاری است. شاهنامه، که سبک حماسی و تغزلی دارد، علاوه بر بیان حماسه‌ها، مضامین وطن‌دوستی و دفاع از کیان ایران را در خود جای داده است. در این اثر، فردوسی به دفاع از هویت ایرانی و ارزش‌های اخلاقی پرداخته و نمونه‌هایی از پایداری، فداکاری و مبارزات پهلوانان ایرانی در برابر دشمنان را به تصویر کشیده است. با استفاده از زبان ساده و روان، فردوسی در شاهنامه به توصیف صحنه‌ها و شخصیت‌ها پرداخته و از صنایع بلاغی مانند مراعات و جناس بهره برده است. این اثر علاوه بر حماسی بودن، دارای جنبه‌های تعلیمی و فلسفی است و با مضامین اخلاقی و انسانی در تاریخ ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد.

شاهنامه با شکوه و عظمتش در اوج شکوفایی ادبیات فارسی قرار دارد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان شناخته می‌شود (10).

ناصر خسرو (سده پنجم)

ناصر خسرو قبادیانی بلخی، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ادبی و فلسفی ایران در قرن پنجم هجری، شاعری توانا، فیلسوفی اندیشمند و جهانگردی پرآوازه بود. آثار او، شامل دیوان اشعار و سفرنامه، بازتاب‌دهنده اندیشه‌های فلسفی، عرفانی و اجتماعی‌اش هستند. در اشعار ناصر خسرو، مسائل فلسفی و اجتماعی با زبانی شیوا و گیرا بیان شده و ویژگی‌هایی چون انتقاد اجتماعی، تعهد عرفانی و روحیه عدالت‌خواهی در آن‌ها مشهود است. در سفرنامه خود، ناصر خسرو به توصیف شهرها و فرهنگ‌های مختلفی که از آن‌ها دیدن کرده، پرداخته و نظرات خود را درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی آن زمان به اشتراک گذاشته است. شخصیت ناصر خسرو با علاقه شدید به فلسفه و عرفان، روحیه انتقادی و عدالت‌خواهی و کنجکاوی بی‌پایان در جهانگردی مشخص می‌شود. در تحلیل شعرهای ناصر خسرو، به‌ویژه ابیاتی از قصیده‌هایش، شاهد تعهد به اصول اخلاقی و توجه به حیات مادی و معنوی جامعه هستیم. او در اشعار خود از فلک و چرخ نیلوفری نکوهش می‌کند و بر ضرورت صبر و پذیرش تقدیر تأکید دارد. در این اشعار، ناصر خسرو به عنوان یک پیشرو فکری و اخلاقی از جایگاه خود به اندرز مخاطبان می‌پردازد. با توجه به ارزیابی کلی، دیوان ناصر خسرو در عرصه‌های مختلف ادبیاتی آمیزه‌ای از حماسه، تراژدی و تعلیمی است، اما وجه تعلیمی و وعظی در این اشعار برجسته‌تر است و شاعر در آن‌ها بیشتر به تعلیم اخلاقی و معنوی مخاطب می‌پردازد. این جنبه‌های تعلیمی به‌ویژه در دفاع از حیات معنوی و اهمیت صبر و پذیرش تقدیر، در آثار ناصر خسرو بارز است (11).

مسعود سعد (سده پنجم)

مسعود سعد سلمان، یکی از شاعران برجسته قرن پنجم هجری قمری، آغازگر شعر سیاسی در ادب فارسی است. آثار او نه تنها از لحاظ ادبی بلکه از جنبه‌های اجتماعی نیز حائز اهمیت است و به درک بهتر جامعه و فرهنگ آن دوران کمک می‌کند. دیوان مسعود سعد شامل حدود شانزده هزار بیت است که در قالب‌های مختلف شعری از جمله قصیده، غزل عاشقانه و حزن، مثنوی‌های حکیمانه، مسمط‌های بدیع، قطعات دل‌انگیز و رباعی‌های پرمعنا قرار دارد. در این پژوهش، حدود چهارصد بیت از دیوان او مورد بررسی دقیق قرار گرفت و تحلیلی بر برخی از اشعار برجسته او انجام شد. به عنوان نمونه، یکی از ابیات انتخابی از قصیده‌ای از مسعود سعد، به وضوح نشان‌دهنده ترکیب زیبای زبان فارسی و بیان معانی عمیق است: "ای فلک نیک دانمت آری، کس ندیدست چون تو غداری". ارزیابی چهارگانه محتوا نشان می‌دهد که مسعود سعد سلمان با استفاده از کلمات شیوای فارسی توانسته معانی عمیق را به زیبایی بیان کند. این شاعر در زمینه تعهد و پابندی به اصول، امتیاز بالایی دریافت کرده است و در محورهای دیگر نیز ویژگی‌های برجسته‌ای از خود نشان داده است. علی‌رغم این، در اشعار او بیشتر به مدح بزرگان و بیان حالات درونی خود پرداخته شده و به مسائل اجتماعی و دفاع از حقوق جامعه کمتر توجه شده است. از این رو، امتیاز او در محور دفاع از حیات مادی کم‌تر است، در حالی که در محور شکوفایی و تکامل، امتیاز بالایی کسب کرده است. اشعار مسعود سعد، با لحنی استوار و محکم، به ویژه در سروده‌های مدحی، یادآور حماسه‌های پرشکوه است. از طرف دیگر، اشعار زندان او، که در قالب مرثیه به تصویر کشیده شده‌اند، از عمق اندوه و رنج شاعر حکایت می‌کند. به طور کلی، دیوان مسعود سعد ترکیبی از احساسات حماسی، شادی و تراژدی است، ولی در بیشتر آثارش لحن تراژیک و اندوه‌بار غالب است و از رنج‌ها و ناملایمات زندگی سخن می‌گوید (12).

عین القضاات همدانی (سده ششم)

عین‌القضات همدانی، یکی از برجسته‌ترین عارفان و فیلسوفان قرن ششم هجری، با آثار ارزشمندی چون «تمهیدات»، «زبدۃ الحقایق» و «مجموعه نامه‌ها» تأثیر شگرفی بر اندیشه اسلامی و عرفانی گذاشته است. در «تمهیدات»، که در ده فصل نگاشته شده، به مسائل عرفانی و فلسفی پرداخته شده و زبان نمادین آن تأثیر زیادی بر خواننده می‌گذارد. در این اثر، عین‌القضات مفاهیم عمیق عرفانی را با زبانی شیوا بیان می‌کند و خواننده را به سفری روحانی می‌برد. همچنین، ابعاد تربیتی و اخلاقی در اثر وجود دارد، اما عرفان همچنان غالب است. نثر این کتاب، با ساختاری منسجم و پرشور، نشان‌دهنده تسلط نویسنده بر زبان و توانایی او در انتقال احساسات عمیق است. در ارزیابی این اثر، مسائل مادی پرداخته نشده و به موضوعات معنوی توجه ویژه‌ای شده است، که در نتیجه به آن امتیاز بالایی در محور عرفان و حیات معنوی داده شده است (13).

سعدی (سده هفت)

سعدی شیرازی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران تاریخ فارسی، با آثار جاودانه‌ای چون بوستان، گلستان و غزلیات به اوج کمال ادبیات فارسی رسید. او با نثر شیرین و حکمت‌آمیز خود، در گلستان حکایات و اندرزهایی به زبان ساده و روان ارائه داده است که در سراسر جهان مورد تحسین قرار گرفته است. گلستان، اثری تعلیمی است که در آن سعدی به نقش مردم و پیشروان فکری در جامعه توجه دارد و در آن مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را به‌طور مؤثر بیان می‌کند. سعدی در این اثر به اهمیت زندگی مادی و معنوی اشاره می‌کند و بر حفظ تعادل میان آن‌ها تأکید دارد. گلستان ترکیبی از سبک‌های مختلف ادبی است؛ سعدی با بهره‌گیری از قلمرو حماسه و لحن غنایی در برخی بخش‌ها، این اثر را به یک شاهکار تبدیل کرده است. این تنوع سبک نشان از تسلط کامل سعدی بر زبان فارسی و توانایی او در خلق اثری ماندگار دارد (14).

مولوی (سده هفت)

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، شاعر و عارف بزرگ تاریخ ادبیات فارسی، در سال ۶۰۴ هجری قمری در بلخ به دنیا آمد و در سال ۶۷۲ هجری قمری در قونیه درگذشت. او پس از مرگ پدرش رهبری خانقاه قونیه را بر عهده گرفت و دیدار با شمس تبریزی تحولی بزرگ در زندگی‌اش بود. شاهکار بی‌بدیل او، مثنوی معنوی، اثری شش جلدی با حدود ۲۶۰۰۰ بیت است که به مسائل معنوی و روحانی پرداخته و مخاطب را به سوی کمال و تعالی فرا می‌خواند. مثنوی معنوی در زمینه رشد روحانی، دفاع از حیات معنوی و شفاف‌سازی مسیر برای مخاطب، تأکید ویژه‌ای دارد. در ارزیابی محتوا، مولوی امتیاز کامل در محورهای تعهد و التزام، شکوفایی و تکامل کسب کرده و به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین شعر فارسی شناخته می‌شود. این اثر به‌عنوان یک شاهکار چندوجهی، عرفان، حماسه، تعلیم و غزل را به زیبایی در هم آمیخته و یکی از ارزشمندترین آثار ادبیات فارسی محسوب می‌شود (15).

خواجوی کرمانی (سده هشت)

خواجوی کرمانی، یکی از شاعران برجسته قرن هشتم هجری، در کرمان به دنیا آمد و آثاری در قالب‌های غزل، قصیده و مثنوی از خود به جا گذاشت. دیوان شعر او شامل غزل‌های عاشقانه، عرفانی و اجتماعی است. خواجو به دلیل لطافت بیان، عمق احساس و ظرافت خیال مشهور است. او همچنین خمسه نظامی گنجوی را به نظم کشیده که نشان از تسلط او بر فنون شعری دارد. در ارزیابی چهارگانه، خواجوی کرمانی در محور تعهد امتیاز کامل کسب کرده است و هیچ انحرافی در آثار او مشاهده نمی‌شود. در محور مردم و پیشروان فکری، امتیاز هفت به او داده شده است، زیرا در اشعارش کمتر به دغدغه‌های اجتماعی پرداخته است. اما در محور شکوفایی و تکامل، خواجو به دلیل استفاده ماهرانه از آرایه‌های ادبی، بالاترین امتیاز را کسب کرده است. اشعار خواجو ترکیبی از حماسه و عرفان هستند. حماسه‌ای عرفانی که در آن، نبردهای درونی و سیر انسان به سوی کمال جایگزین نبردهای ظاهری

می‌شود. این اشعار سرشار از غنا و لطافت هستند، به طوری که حافظ شیرازی بسیاری از مضامین و سبک خود را مدیون خواجهی کرمانی است. در نهایت، ادب غنایی طیف غالب دیوان خواجهی کرمانی است (16).

جامی (سده نه)

عبدالرحمن جامی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران سده نهم هجری قمری، آثار ارزشمندی چون هفت اورنگ، بهارستان و نفحات‌الانس از خود به یادگار گذاشته است. این شاعر و عارف برجسته با استفاده از زبانی شیوا و لطیف، مفاهیم عرفانی را به سادگی بیان کرده است. در هفت اورنگ، که به تقلید از خمسه نظامی سروده شده، بیشتر به مسائل فلسفی و عرفانی پرداخته و کمتر به موضوعات اجتماعی توجه شده است. این اثر شامل مثنوی‌های عاشقانه، عرفانی و حکمی است که در آن، از اوج عرفان و سیر معنوی تا داستان‌های عاشقانه و آموزه‌های اخلاقی دیده می‌شود. جامی در محور تعهد و التزام، امتیاز کامل کسب کرده و در حوزه شکوفایی و تکامل، به عنوان شاعری توانمند شناخته می‌شود. این آثار با تنوع موضوعی و ساختاری، همچنان مورد توجه در ادبیات فارسی قرار دارند (17).

محتشم کاشانی (سده ده)

محتشم کاشانی، شاعری برجسته در مرثیه‌سرایی و سوگواره‌های عاشورایی است که با زبانی ساده و روان، صحنه‌های کربلا را حماسی و تاثیرگذار به تصویر کشید. شعرهای او سرشار از احساسات انسانی و عمیق است و خواننده را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مرثیه مشهور او در رثای امام حسین (ع)، قیام عاشورا به شکلی جاودانه و حماسی توصیف شده است. در ارزیابی چهارگانه محتوا، در محور تعهد و التزام امتیاز کامل کسب کرده است. این شعر، که محور آن قیام عاشورا و جانفشانی امام حسین (ع) و یارانش برای احیای عدالت است، در محور مردم و پیشروان فکری نیز امتیاز کامل دارد. اشعار محتشم مانند بسیاری

از آثار شاعران پیشین مورد استقبال قرار گرفت، لذا در محور شکوفایی و تکامل، امتیاز هشت به او داده می‌شود. در مرثیه محتشم کاشانی، حماسه کربلا به اوج خود می‌رسد و تراژدی این واقعه در قالب حماسه‌ای دینی به تصویر کشیده می‌شود. گرچه رنگ تعلیم نیز در این اثر دیده می‌شود، حماسه و تراژدی بر آن غلبه دارند (18).

صائب تبریزی (سده یازده)

صائب تبریزی، یکی از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان سده یازدهم هجری، با دیوان غزلیات خود جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ادبیات فارسی به دست آورده است. او که به شاه شاعر سبک هندی شناخته می‌شود، با غزل‌هایی پر از ظرافت کلام و عمق اندیشه‌های فلسفی و عرفانی، به کمال غزل‌سرایی رسید. در آثار صائب، زیبایی لفظ و معنی با استفاده از واژگان دقیق و صنایع ادبی ظریف به اوج خود می‌رسد. غزل‌های صائب به مضامین عاشقانه و عرفانی توجه دارند و در عین حال، او به دغدغه‌های اجتماعی و مادی نیز پرداخته است. صائب در اشعار خود نه تنها از لذت‌های دنیوی سخن گفته، بلکه دغدغه‌های معنوی نیز در برخی از آثارش دیده می‌شود. این شاعر با استفاده از اسلوب معادله، مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را در قالب معادلات ادبی بیان کرده و در تعمیق ادبیات تعلیمی و اجتماعی فارسی نقش مهمی ایفا کرده است. با توجه به مضامین غنایی، اخلاقی و اجتماعی در شعر صائب، او توانسته است ابعاد مختلف زندگی انسان را در آثارش منعکس کند. این ویژگی‌ها باعث شده است که آثار صائب تبریزی به‌عنوان یک گنجینه ادبی با ظرافت‌های ویژه شناخته شوند (19).

جلال آل احمد (سده چهارده)

جلال آل احمد، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان و روشنفکران معاصر ایران، تأثیر شگرفی بر ادبیات و اندیشه‌های اجتماعی ایران گذاشت. او با آثار خود مانند مدیر مدرسه و غرب‌زدگی، به نقد جامعه و روشنفکری پرداخته و تأثیر غرب بر جامعه ایرانی را

بررسی کرده است. آل احمد در دوران فعالیت سیاسی خود، تحولات فکری زیادی را تجربه کرد و در آثارش این تحولات منعکس شده است. در مدیر مدرسه، او با زبانی گزنده و دقیق، واقعیت‌های تلخ جامعه را به تصویر کشیده است. این کتاب نشان‌دهنده شکوفایی در تحلیل اجتماعی و فرهنگی است. آل احمد در آثارش عمدتاً به مشکلات اجتماعی و سیاسی پرداخته و در کتاب غرب‌زدگی، به دفاع از حیات معنوی و ارزش‌های اسلامی پرداخته است. آثار آل احمد به‌ویژه در حوزه حماسه اجتماعی و سیاسی قرار دارند و از تحولات سیاسی زمان خود تأثیر عمیقی پذیرفته‌اند. این ویژگی‌ها نشان از تعهد او به مسائل اجتماعی و سیاسی دارند (20).

کج روی در ادبیات

دوره کلاسیک

اسرائیلیات به داستان‌ها و روایاتی گفته می‌شود که در قرآن و احادیث نیامده‌اند و ریشه در افسانه‌ها و کتاب‌های قدیمی یهودی و مسیحی دارند. این داستان‌ها اغلب از کتاب مقدس یهودیان (تورات) و تلمود (سنت شفاهی یهودیان) گرفته شده‌اند. اگرچه اسلام تورات را کتابی آسمانی می‌داند، اسرائیلیات به باور مسلمانان بخشی از دین اسلام نیستند. قرآن کریم بارها به تحریف‌گری یهود اشاره کرده و آنان را گمراهانی واقعی معرفی می‌کند. از جمله ویژگی‌های یهود در قرآن می‌توان به بهانه‌جویی، خیانت در امانت، قتل انبیاء، حق‌پوشانی و دشمنی با مؤمنان اشاره کرد. پس از ظهور اسلام، برخی از یهودیان برای تضعیف اسلام افسانه‌ها و روایات باطل خود را وارد معارف اسلامی کردند. این کار موجب ایجاد شبهات در میان مسلمانان شد و برخی از مفسران اسلامی مانند ابوحریره، کعب الاحبار، عبدالله بن سلام و وهب بن منبه، به نقل اسرائیلیات در تفسیر قرآن پرداختند. این موضوعات وارد ادبیات فارسی نیز شده‌اند و بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی بدون بررسی دقیق منابع، این داستان‌ها را در آثار خود آورده‌اند.

اسرائیلیات به ویژه در متون نظم و نثر فارسی، در آثار بسیاری از شاعران مانند خاقانی، سنایی و خواجوی کرمانی مشاهده می‌شود. این داستان‌ها که بیشتر مربوط به زندگی انبیاء و بزرگان دین هستند، شامل مواردی مانند خلقت حضرت حوا از پهلوی چپ حضرت آدم، داستان حضرت داوود و اوریا، و داستان حضرت سلیمان و انگشتر می‌شوند. این داستان‌ها معمولاً به جای حقایق تاریخی در متون ادبی فارسی گنجانده شده‌اند و در نهایت به ترویج باورهای غلط و خرافاتی در جامعه منجر شده‌اند. توجه به اسرائیلیات در ادبیات فارسی برای تمیز دادن حقایق از افسانه‌ها، حفظ جایگاه انبیاء و تقویت ایمان ضروری است. با بررسی و نقد اسرائیلیات می‌توان از ترویج باورهای غلط جلوگیری کرد و به مقام والای انبیاء احترام گذاشت. شناخت این داستان‌های ساختگی و بررسی انتقادی آن‌ها به درک بهتر ادبیات فارسی کمک می‌کند و از گسترش شبهات در جامعه جلوگیری می‌کند (21).

دوره مدرن

انحرافات در ادبیات ایران از قرن نهم هجری تا قبل از انقلاب اسلامی، به ویژه با مسأله دین‌گریزی مرتبط است و این موضوع در دوره معاصر به مفهوم روشنفکری پیوند خورده است. روشنفکری جدید، که تحت تأثیر روشنفکری غربی قرار دارد، با ارزش‌های دینی در تضاد است. در این دوره، روشنفکری به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که به ستیز با دین و مذهب می‌پردازند. این ستیز با دین در ادبیات معاصر ایران از زوایای مختلف از جمله احساسات ناسیونالیستی، ستیزه‌جویی صریح با دین، انکار وحی، معاد و فلسفه آفرینش، و گرایش به مکاتب شرقی و غربی قابل مشاهده است. ناسیونالیسم، که به وفاداری به ملت خاص و حفظ منافع ملی اشاره دارد، در ادبیات معاصر ایران از ناسیونالیسم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بهره برده است. این احساسات در تضاد با اصول اسلامی قرار می‌گیرد، چرا که اسلام بر برابری همه نژادها تأکید دارد. در آغاز نهضت روشنفکری، تغییر الفبای فارسی

به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شد. شخصیت‌هایی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده و احمد کسروی به مخالفت با دین و زبان دینی پرداخته‌اند. فراماسونری، دیگر انحراف این دوره بود که به تخریب اعتقادات دینی پرداخته و تأسیس لژهایی در ایران به ستیز با دین پرداخت. در این دوران، گرایش‌های سیاسی مانند حزب توده با شعارهای ضد دینی و تلاش برای حذف عقاید مذهبی، نقشی مهم در تاریخ معاصر ایران ایفا کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های حزب توده متوقف شد و توجه به گرایش‌های غربی و روسی کاهش یافت. در دوره مشروطه، شاعران و نویسندگانی مانند میرزاده عشقی و ایرج میرزا به ستیز با دین پرداخته و آثارشان به تفکر ضد دینی و پوچ‌گرایی پرداخته است. از این رو، یکی از وظایف ادبیات معاصر باید شناسایی و مقابله با این انحرافات باشد تا از ورود آن‌ها به ادب فارسی جلوگیری شود. ارتباط کج روی در ادبیات با عناصر تعهد و التزام از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. نویسندگانی که به هنجارهای اجتماعی و اخلاقی متعهد هستند، معمولاً از کج رویات رفتاری پرهیز می‌کنند. ادبیات می‌تواند به عنوان ابزاری برای ترویج هنجارها و ارزش‌های اجتماعی عمل کرده و از بروز کج رویات جلوگیری کند. همچنین، برخی نویسندگان از کج روی به عنوان ابزاری برای آگاه‌سازی خوانندگان درباره مشکلات اجتماعی استفاده کرده‌اند. تحلیل شخصیت‌های متعهد در برابر شخصیت‌های کج روی، می‌تواند به درک بهتر پیام‌های داستان کمک کند و بر اهمیت تعهد به ارزش‌ها تأکید کند (22).

انواع کج روی در ادبیات

انواع کج روی در ادبیات به تخطی از هنجارها و قواعد معمولی در قالب‌های ادبی اشاره دارند که هرکدام از آن‌ها می‌تواند به شکل‌های مختلفی در آثار ادبی خود را نشان دهد. یکی از انواع کج روی، کج روی ساختاری است که به تخطی از ساختارهای متعارف و فرم‌های سنتی اشاره دارد. نویسندگان ممکن است از

روایت خطی یا زمان‌بندی معمول فاصله بگیرند تا اثر خود را از قالب‌های شناخته‌شده جدا کنند. کج روی موضوعی به انتخاب موضوعات غیرمعمول و در تضاد با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد که معمولاً به نقد مسائل اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی پرداخته می‌شود. کج روی زبانی نیز به استفاده از زبان و ساختارهای بیانی غیرمتعارف و نوآورانه اشاره دارد که ممکن است شامل بازی‌های زبانی، استعاره‌های پیچیده یا نوآوری‌های زبانی باشد. در کج روی روایی، نویسندگان از شیوه‌های روایت کلاسیک فاصله می‌گیرند و می‌توانند از راوی‌های غیرقابل‌اعتماد یا روایت‌های چندگانه استفاده کنند. کج روی شخصیتی به خلق شخصیت‌هایی با ویژگی‌های غیرمعمول و پیچیده اشاره دارد که ممکن است در تضاد با هنجارهای اجتماعی باشند. کج روی اخلاقی نیز به رفتارهایی اشاره دارد که با ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه در تضاد است و معمولاً برای نقد جامعه یا هنجارهای آن به کار می‌رود. کج روی فرهنگی به تخطی از هنجارهای فرهنگی و سنت‌های جامعه اشاره دارد که می‌تواند به نقد یا بازنگری در آن‌ها منجر شود. در نهایت، کج روی تاریخی به بازنگری و تفسیر مجدد رویدادهای تاریخی از منظر نویسنده اشاره دارد که ممکن است با واقعیت‌های تاریخی در تضاد باشد. این انواع کج روی در ادبیات نشان‌دهنده تنوع و خلاقیت در روایت داستان‌ها و شکل‌دهی به مفهوم ادبیات هستند (23).

نقش کج روی در بازنمایی تعهد و التزام

بررسی تأثیر کج روی بر مفهوم تعهد در ادبیات و جامعه می‌تواند به درک عمیق‌تری از دینامیک‌های انسانی و اجتماعی کمک کند. کج روی به تخطی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد و می‌تواند جنبه‌های مختلفی از تعهد را تحت تأثیر قرار دهد. این نوع تخطی می‌تواند به چالش کشیدن هنجارها منجر شود، که به بازنگری افراد در ارزش‌ها و اصول خود منتهی می‌شود. در آثار داستانی و فلسفی، شخصیت‌ها با کج رویات اخلاقی و اجتماعی

مواجه می‌شوند که آن‌ها را به بررسی مجدد تعهدات خود وادار می‌کند. کج روی همچنین می‌تواند منجر به تجربه‌های عاطفی مانند گناه، شرم یا ندامت شود که این احساسات می‌توانند به تقویت حس تعهد کمک کنند. در «بوف کور» صادق هدایت، شخصیت اصلی پس از کج رویاتش با احساس تنهایی و پوچی مواجه می‌شود که او را به بازنگری در تعهداتش وادار می‌دارد. شخصیت‌های پیچیده و چندبعدی که کج روی دارند، به درک عمیق‌تری از مفهوم تعهد کمک می‌کنند. در «محاكمه» کافکا، شخصیت اصلی با تضاد بین قوانین اجتماعی و خواسته‌های شخصی روبه‌رو می‌شود که به بررسی عمیق‌تر تعهدات فردی منجر می‌شود. کج روی همچنین به نقد ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی پرداخته و افراد را به تعهد به تغییر و اصلاح وضعیت موجود ترغیب می‌کند. در «۱۹۸۴» جورج اورول، کج رویات موجود در نظام سیاسی افراد را به تفکر درباره ارزش‌های آزادی و حقوق بشر وادار می‌کند. در نهایت، کج روی مرزهای اخلاقی و اجتماعی را روشن می‌کند و به افراد کمک می‌کند تا تعهدات خود را بهتر درک کرده و در برابر کج رویات مقاومت کنند. این فرآیند به تقویت و بازنگری تعهدات انسانی و اخلاقی کمک می‌کند (24).

تحلیل نمونه‌های ادبی

در تحلیل کج رویات موجود در برخی آثار ادبی، می‌توان تأثیرات مختلف کج روی را در سطوح اخلاقی، اجتماعی و سیاسی مشاهده کرد. در رمان جنایت و مکافات داستایوفسکی، شخصیت راسکولنیکف با ارتکاب قتل، کج روی اخلاقی شدیدی را تجربه می‌کند. این عمل منجر به عذاب وجدان و بحران هویتی می‌شود که نشان‌دهنده تأثیرات منفی کج روی بر فرد و جامعه است. در بوف کور صادق هدایت، شخصیت اصلی دچار کج روی اجتماعی و روانی است. احساس انزوا و پوچی او باعث بحران هویتی شده و او را به تأمل در ارزش‌های انسانی و اجتماعی وادار می‌کند. در ۱۹۸۴ جورج اورول، کج روی سیاسی و جستجوی حقیقت توسط

وینستون اسمیت در برابر نظام دیکتاتوری به چالش کشیده می‌شود، و او با عواقب سختی مواجه می‌شود که هزینه‌های جستجوی آزادی و حقیقت را نشان می‌دهد. در محاکمه فرانتس کافکا، کج روی سیستماتیک و مواجهه با نظام قضایی غیرمنطقی شخصیت یوزف ک را به جستجوی معنای عدالت و مسئولیت‌های اجتماعی وادار می‌کند. در عطر سنبل، عطر کاج مریم خلیلی، کج روی اجتماعی به شخصیت‌ها کمک می‌کند هویت‌های جدیدی بیابند و تعهداتشان نسبت به خود و دیگران را بازنگری کنند. این آثار نشان می‌دهند که کج رویات نه تنها هنجارها را به چالش می‌کشند، بلکه فرصتی برای تأمل و بازنگری در ارزش‌ها و تعهدات فردی و اجتماعی فراهم می‌آورند (25).

نتایج کج روی در ادبیات پایداری

تأثیر کج روی بر پیام‌های ادبی می‌تواند به چالش کشیدن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی منجر شود و از این طریق سؤالات عمیق‌تری را در مورد اخلاق، هویت و مسئولیت اجتماعی مطرح کند. کج رویات معمولاً به نقد ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کنند و این نقد می‌تواند آگاهی اجتماعی و تفکر انتقادی خوانندگان را تقویت کند. علاوه بر این، کج رویات به شخصیت‌ها عمق بیشتری می‌بخشند و به آن‌ها کمک می‌کند تا هویت و ارزش‌های خود را بازتعریف کنند. این فرآیند پیام‌های ادبی را غنی‌تر و پیچیده‌تر می‌سازد. روابط انسانی نیز تحت تأثیر کج رویات قرار می‌گیرند و این پیچیدگی‌ها به بررسی عمیق‌تری از ارتباطات انسانی می‌انجامد. کج روی همچنین به ایجاد تنش و درام در داستان کمک می‌کند که این تنش‌ها معمولاً جذابیت بیشتری برای خواننده ایجاد می‌کنند و پیام‌های ادبی را به‌طور مؤثرتری منتقل می‌سازند. در ادبیات پایداری، کج روی می‌تواند به غنای این نوع ادبیات کمک کند. ادبیات پایداری به ترویج مفاهیم محیط زیست، عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی می‌پردازد و کج روی می‌تواند به بیداری اجتماعی منجر شود. وقتی

نویسندگان با به چالش کشیدن ساختارهای موجود، مسائلی را مطرح می‌کنند که ممکن است نادیده گرفته شوند، این عمل می‌تواند خوانندگان را به تفکر درباره ارزش‌های پایداری و محیط زیست وادار کند. در این راستا، کج روی به عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی عمل می‌کند و به نمایش ناهنجاری‌های موجود در جوامع کمک می‌کند. علاوه بر این، کج روی می‌تواند به توسعه شخصیت‌های چندبعدی و پیچیده در ادبیات پایداری منجر شود. شخصیت‌هایی که با چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی روبه‌رو هستند و ممکن است به راه‌های غیرمعمولی برای حل مشکلات خود دست بزنند، می‌توانند پیام‌های عمیق‌تری درباره اهمیت تغییر و تحول در زندگی فردی و اجتماعی منتقل کنند. این شخصیت‌ها معمولاً به دلیل جابجایی یا فاصله گرفتن از هنجارهای متعارف، از مخاطب فرصتی برای تأمل و بازنگری در ارزش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی خود ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، کج روی به ایجاد تنش‌های دراماتیک کمک می‌کند که می‌تواند جذابیت بیشتری برای خوانندگان داشته باشد. این تنش‌ها، مسائل مربوط به پایداری را به صورت ملموس‌تر و قابل احساس‌تری ارائه می‌دهند و به همین دلیل، خوانندگان را بیشتر به مشارکت و تغییر ترغیب می‌کنند. این کشمکش‌ها نه تنها در شخصیت‌ها بلکه در جوامع و روابط انسانی نیز قابل مشاهده هستند و به ما کمک می‌کنند تا به درک بهتری از پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و محیط زیست دست یابیم. در نهایت، کج روی می‌تواند به شکل‌گیری ایده‌ها و مضامین نوآورانه در ادبیات پایداری کمک کند. نویسندگانی که به طور مداوم هنجارها و رویکردهای متعارف را به چالش می‌کشند، می‌توانند دیدگاه‌های جدیدی درباره مسائل محیط زیست و اجتماعی ارائه دهند و بدین ترتیب، به غنای ادبیات پایداری کمک کنند. با این رویکرد، کج روی نه تنها به بازتاب‌دهی واقعیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد فضای گفت‌وگو و تأمل در مورد آینده‌ای پایدار و عادلانه منجر

شود. این تأثیرات به وضوح نشان می‌دهند که کج روی می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرتمند در خدمت اهداف ادبیات پایداری قرار گیرد و به تغییرات مثبت در سطح فردی و اجتماعی کمک کند. بررسی ارتباط بین کج روی و پذیرش مخاطب نیز نشان می‌دهد که کج روی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نحوه دریافت و واکنش مخاطبان نسبت به آثار ادبی داشته باشد. کج روی از هنجارها و الگوهای متعارف می‌تواند به چندین شیوه به پذیرش مخاطب کمک یا آسیب برساند. نخست، کج روی می‌تواند به جلب توجه مخاطب منجر شود. آثاری که با محتوای غیرمعمول و چالش‌برانگیز همراه هستند، معمولاً کنجکاوی بیشتری را در مخاطب ایجاد می‌کنند. این کنجکاوی می‌تواند منجر به افزایش تعامل و بحث درباره موضوعات اثر شود و مخاطب را به فکر کردن درباره مفاهیم عمیق‌تر وادار کند. دوم، کج روی می‌تواند به شکستن تابوها و محدودیت‌های اجتماعی کمک کند. وقتی یک نویسنده به بررسی مسائلی می‌پردازد که ممکن است در جامعه نادیده گرفته شوند، این عمل می‌تواند احساس نزدیکی و همدلی را در مخاطب ایجاد کند. مخاطب ممکن است خود را در شخصیت‌ها و وضعیت‌های غیرمتعارف ببیند و به این ترتیب، پذیرش اثر افزایش یابد. این نوع همدلی باعث می‌شود که پیام‌های اجتماعی و فرهنگی به شکل بهتری در ذهن مخاطب باقی بمانند و او را به تفکر عمیق‌تر وادار کنند. اما در عین حال، کج روی ممکن است با مقاومت‌هایی نیز مواجه شود. برخی مخاطبان ممکن است به دلیل ناآشنایی یا عدم پذیرش ایده‌های غیرمعمول، با اثر به راحتی ارتباط برقرار نکنند. این مقاومت ممکن است به دلیل تعصبات فرهنگی، اجتماعی یا شخصی باشد. در این موارد، نویسندگان باید به طور هوشمندانه‌ای به انتقال پیام‌های خود بپردازند تا مخاطب را به درک عمیق‌تری از کج روی و مفاهیم مرتبط با آن هدایت کنند. این فرآیند به تقویت ظرفیت نقد و تحلیل اجتماعی در مخاطبان کمک می‌کند (26).

نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری به عنوان یک ابزار ادبی مهم در تاریخ ایران، نقش بسزایی در بازتاب و ترویج آرمان‌های اجتماعی، سیاسی و انسانی ایفا کرده است. این نوع ادبیات به‌ویژه در دوره‌های مختلف تاریخی ایران، به نقد ظلم، بی‌عدالتی و نابرابری‌های اجتماعی پرداخته و به‌عنوان ابزاری برای مبارزه با استبداد و فساد مورد استفاده قرار گرفته است. در این میان، بررسی تعهد و التزام شاعران و نویسندگان به آرمان‌های انسانی و اجتماعی در ایجاد و گسترش ادبیات پایداری، موضوعی است که به‌ویژه در دوران‌های حساس تاریخ ایران اهمیت دارد. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و بررسی نقش تعهد و التزام در تکوین و توسعه ادبیات پایداری ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی بوده است. در این راستا، تلاش شده تا با نگاهی جامع و تحلیلی به آثار برجسته‌ای از شاعران و نویسندگان ایرانی در دوران‌های مختلف تاریخی پرداخته شود و نقش این آثار در ترویج عدالت، آزادی و مقاومت اجتماعی بررسی گردد. این پژوهش به‌طور بنیادی، نظری و اسنادی انجام شده است. روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات موردی استفاده گردیده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل آثار ادبی، از رویکرد قیاسی-استدلالی بهره گرفته شده تا ابعاد مختلف ادبیات پایداری در ایران، با تأکید بر تعهد و التزام اجتماعی و انسانی، مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش نشان داد که در طول تاریخ ادبیات پایداری ایران، از دوران‌های پیش از انقلاب اسلامی تا دوره‌های معاصر، نویسندگان و شاعران بسیاری با بهره‌گیری از قدرت زبان و تخیل، به مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی پرداخته و در قالب اشعار و نثرهای خود، تعهد و التزام به آرمان‌های انسانی و اجتماعی را به نمایش گذاشته‌اند. در سده‌های چهارم و پنجم هجری، شاعران بزرگی مانند فردوسی، ناصرخسرو و کسایی با آثار خود بر حفظ هویت فرهنگی و ملی ایران تأکید کرده و با نقد ظلم و فساد، به نقش مردم در مبارزه با بی‌عدالتی

پرداخته‌اند. در این دوران، ادبیات بیشتر جنبه حماسی و تعلیمی داشت و کمتر به مسائل اجتماعی معاصر پرداخته شد. با ورود به دوران‌های بعدی، خصوصاً در قرن هفتم هجری و در دوران معاصر، ادبیات پایداری ایران به شکل پیچیده‌تری در دفاع از حقوق انسانی، آزادی و عدالت اجتماعی نمود پیدا کرد. شاعران و نویسندگانی چون سعدی، مولوی و جامی در آثار خود مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را بررسی کردند و این آثار تأثیرات عمیقی در جامعه داشتند. آثار این دوره علاوه بر جنبه‌های حماسی و عرفانی، به نقد نهادها و ساختارهای اجتماعی نیز پرداخته‌اند. در قرن بیستم و پیش از انقلاب اسلامی، به ویژه با شکل‌گیری جنبش‌های روشنفکری و ملی‌گرایانه، ادبیات پایداری با تحولات جدیدی روبه‌رو شد. نویسندگانی مانند جلال آل احمد و صادق هدایت با نقد قدرت‌های استعماری و نهادهای دینی، به چالش کشیدن ارزش‌های موجود را به مرکز توجه خود قرار دادند. آثار این دوران بیشتر به نقد استعمار، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و همچنین ستیز با فرهنگ غربی پرداخته و در آن‌ها شاهد مفاهیم جدیدی همچون آزادی فردی و ملی، مبارزه با استعمار و ظلم استبدادی بودیم. در کل، یافته‌ها نشان داد که ادبیات پایداری ایران در هر دوره به‌طور خاص تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار داشته است. این ادبیات همواره در نقش بازتاب‌دهنده مشکلات جامعه، به ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی نیز پرداخته و برای مخاطبان خود انگیزه‌های حرکت و مقاومت ایجاد کرده است. نتایج این تحقیق تأکید می‌کند که تعهد و التزام در ادبیات پایداری ایران نقش محوری در شکل‌گیری و گسترش این نوع ادبیات ایفا کرده است. ادبیات پایداری نه تنها به ثبت تاریخ اجتماعی و سیاسی جامعه پرداخته است، بلکه با قدرتی عمیق در تغییر نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده است. در طول تاریخ، نویسندگان و شاعران با آثار خود تلاش کرده‌اند تا با نقد ظالمانه اجتماعی، مبارزه با فساد و ستم، و ترویج اصول انسانی و اخلاقی، جامعه را به تفکر

ایفا کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به شرایط کنونی، همچنان می‌توان از این ادبیات برای مقابله با نابرابری‌ها و ظلم‌های جدید استفاده کرد. بنابراین، پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌تواند به بازتعریف و ترویج ارزش‌های انسانی و اجتماعی در جامعه کمک کند و از این منظر، بررسی آثار ادبیات پایداری برای نسل‌های آینده از اهمیت زیادی برخوردار است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Resistance literature in Iran constitutes a vital segment of Persian literary heritage, serving not only as a vehicle for artistic expression but as a powerful instrument of socio-political engagement and humanistic advocacy. It has emerged historically in reaction to repression, injustice, and authoritarian rule, positioning writers and poets as both chroniclers of suffering and architects of collective awakening. The philosophical foundation of this literary form lies in its commitment to truth, justice, and liberty, creating a narrative space where resistance against oppression becomes not merely a theme but a cultural imperative. From its inception, this genre has been shaped by the ethical obligation of authors to reflect the hardships of marginalized communities and to voice their struggles for dignity and freedom. This commitment-driven literature transcends aesthetics to fulfill a civic duty: it educates, mobilizes, and preserves the

و اصلاح برانگیزند. این ادبیات در دوران‌های مختلف در دفاع از هویت فرهنگی و ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی و مبارزه با ظلم و فساد متمرکز بوده است. نویسندگان با به چالش کشیدن هنجارها و ارزش‌های رایج، پیامی قوی از مقاومت و پایداری در برابر استبداد و ظلم به مخاطبان منتقل کرده‌اند. آثار این حوزه نه تنها به‌عنوان اسنادی تاریخی و اجتماعی از آن دوران‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای ایجاد آگاهی اجتماعی و فرهنگ مقاومت در برابر فساد و ظلم در دوران‌های بعدی نیز کاربرد دارند. ادبیات پایداری با توجه به اهمیت آن در شکل‌دهی به فرهنگ مقاومت و آگاهی اجتماعی، در دوران انقلاب اسلامی نقش ویژه‌ای در تقویت روحیه مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم memory of resistance. Such a role is especially potent in socio-political contexts where freedom of expression is limited, and censorship or persecution is commonplace. Iranian resistance literature exemplifies how language can become an act of defiance, with its creators navigating complex realities to produce works that resonate with the public's aspirations. The profound impact of writers like Ferdowsi, Sa'di, Naser Khosrow, and Jalal Al-e Ahmad exemplifies this tradition. These authors, though from disparate historical epochs, are united by a shared ethical compass—their unwavering commitment to confronting tyranny and promoting social justice through literature (1, 3, 5).

The formation of resistance literature in Iran from the early Islamic centuries through the 20th century is inseparable from the intellectual and ethical disposition of its authors. Figures such as Ferdowsi in the 10th century utilized epic narratives like the

Shahnameh not only to preserve pre-Islamic Persian identity but to subtly critique the sociopolitical degradation of their time (10). Likewise, Naser Khosrow's philosophical and mystical compositions were charged with calls for justice, equity, and intellectual freedom (11). These early manifestations, while often couched in religious and moralist frameworks, foreshadowed the modern ideological role of literature in movements such as the Constitutional Revolution and the Islamic Revolution. The content of resistance literature evolved over time from abstract moralist teachings to pointed critiques of power structures, as exemplified by poets like Masud Sa'd Salman, whose prison poems reveal the emotional and psychological cost of opposing tyranny (12). In later centuries, this trajectory deepened with mystics like Molavi, who used spiritual allegories to advocate for transcendence above material domination and dogma, thus introducing new dimensions of resistance based on inner moral freedom (15). The cumulative force of these literary traditions crafted a rich canon in which resistance became a symbol of both cultural continuity and ethical insurgency against hegemony.

Throughout Iranian history, the commitment and obligation of authors to social truth and humanistic ideals have served as driving forces in the production of resistance literature. This commitment is not merely ideological but formal and structural, influencing genre selection, stylistic choices, and narrative frameworks. The role of poets

like Sa'di, with his *Gulistan*, in embedding ethical and social commentary within aesthetically nuanced prose, cannot be overstated (14). Similarly, Jami's lyrical and mystical poetry, while primarily spiritual, frequently engages with the sociopolitical dimensions of his era, illustrating that resistance can be both overt and metaphorically coded (17). The literature of resistance also underwent significant shifts with the development of modernity, particularly in the 19th and 20th centuries, as intellectuals grappled with colonialism, cultural hegemony, and internal despotism. Writers like Jalal Al-e Ahmad responded to Western cultural encroachment with an epistemological critique of "Westoxification," and in doing so, he reinforced the role of the intellectual as a guardian of cultural autonomy and moral clarity (20). These shifts are indicative of how literary commitment evolves contextually, responding to new forms of domination while preserving the foundational ethical charge of resistance literature. Across centuries, the literary response to oppression has remained consistent in tone if not in form—each writer tailoring their style to the demands of their epoch while upholding an unwavering allegiance to justice and truth.

One cannot discuss resistance literature without addressing the concept of "deviation" or "literary deviance" in both classical and modern contexts. These deviations often manifest as subversive narrative structures, symbolic oppositions, and thematic

contradictions that challenge dominant moral and political paradigms. Classical Persian literature is replete with incorporations of Isra'iliyyat—narratives of Jewish and Christian origin—which were embedded into Islamic and Persian storytelling without critical evaluation, potentially distorting doctrinal purity and leading to epistemic deviations (21). These interpolations, though sometimes unintentional, reflect the ideological battlegrounds within which resistance literature emerged. In the modern era, deviation takes on more complex political dimensions. Influenced by Enlightenment rationalism, nationalist ideologies, and Marxist materialism, 20th-century Iranian literature frequently oscillated between religious critique and secular humanism. Writers like Mirzadeh Eshqi and Ahmad Kasravi exemplified this tension, often positioning themselves in opposition to traditional religious authority and embracing modernist or even radical Western paradigms. These shifts, though sometimes labeled “deviation,” were in essence responses to the changing political climate and reflected deeper questions of identity, sovereignty, and resistance (22). Such deviations do not merely mark stylistic variance; they signal ideological recalibration and the persistent negotiation between tradition and innovation, faith and reason, resistance and reform.

Moreover, the multidimensional role of deviation in resistance literature enriches its interpretative possibilities. Whether in terms of

narrative structure, linguistic innovation, or character development, deviation enables authors to critique, question, and reimagine the world as it is. For instance, in works like *Crime and Punishment*, *The Trial*, or *1984*, which have deeply influenced Iranian resistance writers, deviation serves as a lens through which moral conflict, systemic injustice, and existential anxiety are explored (25). These literary examples, though not Iranian in origin, have been appropriated into the Persian literary consciousness as models for depicting the alienation and oppression experienced under totalitarian regimes. Furthermore, Persian authors have adapted such paradigms into distinctly Iranian narratives—merging global literary strategies with localized socio-political concerns. Through this synthesis, deviation becomes a productive disobedience, one that both preserves cultural specificity and opens up transnational dialogues on injustice and resistance. Consequently, deviation should not be viewed solely as a literary anomaly but as a core technique for expanding the ethical scope of resistance literature, inviting readers to interrogate established norms and to envision alternative futures.

Equally crucial is the reception of deviant or non-normative texts in resistance literature, particularly in terms of how they engage the public consciousness. Deviant literature, by its very nature, seeks to provoke, unsettle, and challenge; yet it also carries the risk of alienation or misinterpretation. Its

effectiveness often hinges on the balance between accessibility and complexity, between cultural resonance and ideological subversion. In the Iranian context, where state censorship and sociopolitical constraints are pervasive, deviant literature often functions as a form of encrypted resistance. Metaphors, allegories, and intertextual allusions become tools for circumventing censorship while preserving the text's oppositional message. Audience reception, therefore, is conditioned by both the literary sophistication of the reader and the socio-political literacy of the times (23). While some readers may embrace such works for their boldness and innovation, others may reject them as heretical or subversive. This tension reinforces the need for nuanced readership and critical pedagogy that can decode the complex semiotics of resistance literature. In this regard, the educational system, literary criticism, and cultural institutions bear a shared responsibility in cultivating interpretive communities capable of appreciating the ethical and aesthetic stakes of resistance literature. These interpretive frameworks also provide fertile ground for future scholarship aimed at reassessing the role of literature in social transformation and political critique (26).

In conclusion, Iranian resistance literature, from its early poetic roots to its modern narrative complexities, has remained steadfast in its commitment to justice, freedom, and human dignity. It represents a living archive of cultural defiance and intellectual courage. The

ethical obligation of its authors—to reflect the struggles of the oppressed, to expose systemic injustice, and to imagine better futures—endows this literature with a timeless relevance. In confronting both internal despotism and external domination, resistance literature has served not only as a mirror of societal conditions but as a catalyst for awakening, solidarity, and change. As contemporary societies grapple with new forms of oppression, environmental degradation, and social fragmentation, the lessons embedded in resistance literature remain profoundly instructive. It calls upon each generation to uphold the mantle of ethical authorship and to continue the tradition of speaking truth to power. Through language, memory, and moral clarity, resistance literature ensures that the struggle for justice is neither forgotten nor in vain.

References

1. Divband MR, Abedi Kiasari AM, editors. A Comparative Study of the Components of Islamic Revolution Literature and Resistance Literature. 2nd National Conference on New Findings in Iranian Culture, History, and Literature; 2022.
2. Bam-Shad T, Mohammadi M, Haji-Zadeh A, editors. Resistance Literature in the Islamic Revolution: Symbolism in Alireza Qazveh's Poetry of Resistance. 4th International Conference on Language and Literature Studies of Nations; 2020: Tehran.
3. Masoumi Nejad E, editor. Cultural Policymaking of the Islamic Republic of Iran in Resistance Literature and Islamic Revolution Literature. 6th International Conference on Language and Literature Studies in the Islamic World; 2020: Tehran.
4. Abedi M, Dai M, editors. A Multifaceted Study of Resistance Literature Before and After the Islamic Revolution. 9th International

- Conference on Management and Humanities Research in Iran; 2021: Tehran.
5. Kheiri M, Akbari M. Manifestations of Resistance Literature in Religious Poetry from the Constitutional Era to the Islamic Revolution. *Journal of Sacred Defense Literature*. 2020;3(5):85-98.
 6. Eslami E, Kurd S, Kurd S, editors. *Islamic Awakening in Contemporary Persian and Arabic Poetry*. 4th International Conference on Fundamental Research in Language and Literature Studies; 2021: Tehran.
 7. Alfi MR. The Impact of Iran's Islamic Revolution on the Sustainability and Dynamism of Islamic Awakening and Power Shifts in the Middle East. *Political Strategy Journal*. 2017;1(3):43-67.
 8. Akbari Shaldareh F. "Fadaei Mazandarani": A Pioneer of Resistance Literature. *Ormazd Research Journal*. 2021.
 9. Jalal Pour JF. Analysis of Kasai's Poetry. *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab)*. 2016;9(4 (Serial 34)):107-25.
 10. Nalbandian R. Elements of Resistance Literature in Ferdowsi's *Shahnameh*. *Applied Research in Management and Humanities*. 2022;3(7):160-72.
 11. Taheri FS. Rhetorical Analysis of Literary Devices in Naser Khosrow's Odes. *Journal of Grammatical and Rhetorical Research*. 2022;12(21):199-232.
 12. Mohammadi Afshar H. The Reflection of National Epic in Mas'ud Sa'd's Poetry. *Iranian Studies Journal*. 2010;9(17):157.
 13. Alipour M. *The Life Story of Ayn al-Qudat Hamadani*: Vash; 2018.
 14. Alizadeh A, Mirzaei A, editors. *Resistance Literature During the Islamic Revolution*. 19th National Conference on Management and Humanities Research in Iran; 2024: Tehran.
 15. Esmaili S. *Rumi: Biography of the Great Mystic and Poet Jalal al-Din Muhammad Balkhi*: Bookchek; 2020.
 16. Basiri MS, Agha-Abbasi Z. *Khwaju Kermani: Yadegaran-e Homayoun*; 2019.
 17. Hashemi SH, Hejri A. *Biographies of Iranian Poets from the Beginning to the Present: Baba Tahir, Qa'ani, Jami, etc*: Farhang va Ghalam; 2010.
 18. Miransari A, Taheri-Borzoki SM. *The Life, Thought, and Poetry of Mohtasham Kashani* 2018.
 19. Karimpour H. *The Life Story of Saeb Tabrizi*: Vash; 2018.
 20. Beheshti-Seresht M, Rahimi A, Kazemi-Hojab K. *The Political Life of Jalal Al-e Ahmad*: Imam Khomeini International University (RA) - Qazvin - Faculty of Humanities; 2013.
 21. Abedi Z. *Isra'iliyyat and Its Influence on Shiite Exegesis*. *Bayanat (Imam Reza Islamic Research Institute)*. 2019;26(101):182-200.
 22. Mirabagheri-Fard SA, Sharifi-Voldani G, Aghahosseini H, Taghiani-Esfarjani E, Barati-Khansari M, Nasr-Esfahani MR. *History of Iranian Literature (Vol. 2)*: SAMT Organization; 2010.
 23. Zarghani SM. The Gradual Formation of Iran's Literary Historiography Tradition. *Poetry Studies (Bustan-e Adab)*. 2012;2(1):75-101.
 24. Shojaee A, Nazari M, Mazraati A, Mohammadzadeh E, Shadmani MR, Servati B, et al. *Persian Literature: Gaj International*; 2017.
 25. Refahi S, Nasri A. Analysis of Architectural Elements in Kafka's *The Trial*. *Literary Criticism*. 2019;12(48):81-114.
 26. Aghanouri N. Fallacies, Appropriations, and False Challenges: Major Obstacles in Resistance Literature Research. *Literary Criticism*. 2016;9(36):7-39.